

در چنگال کابوس

سی روز نخست کرونا

ویرنوشتی از: جان دوست
برگرفته از: فاروق نجم‌الدین

کتاب نیستان

دوست، جان.
در جنگال کابوس؛ سی روز نخست کرونا. اثر جان دوست.

ترجمه فاروق نجم‌الدین.

تهران: کتاب نیستان، ۱۳۹۹.

شابک: ۹-۷۶۰-۲۰۸-۶۲۲-۹۷۸

داستان‌های کردی، سوریه. قرن ۲۰م.

نجم‌الدین، فاروق. مترجم.

PK ۶۹۰۸ / ۹

۸۹۱/۵۹۷۳

۷۲۸۴۳۸۱

در جنگال کابوس

جان دوست

ترجمه فاروق نجم‌الدین

طرح جلد از حمید مازیار

کتاب نیستان

چاپ اول ۱۳۹۹ ۸۰۰ نسخه

شابک: ۹-۷۶۰-۲۰۸-۶۲۲-۹۷۸

چاپ و صحافی: سپیدار

نیستان: ۵-۲۲۶۱۳۴۴۳

۲۹۰۰۰ تومان

ارتباط با شما ۳۰۰۰۸۵۵۲

www.neyestanbook.com

یادداشت مترجم

از آن لحظه که جان دوست قلم به دست می‌گیرد تا روزنوشت‌های خود را بنگارد، تا آن زمان که او کار روزنوشت‌نویسی را کلاً کنار می‌گذارد، درست سی روز طول می‌کشد. حاصلش سی گزارش و سی یادداشت کوتاه و بلند است. سی روز نخست، کروناسی روز نخستین که همه ما تجربه‌اش کرده‌ایم.

نویسنده برای این امر سعی می‌کشد تا همین حس و تجربه را با خواننده‌اش به اشتراک بگذارد. اما اگر آغاز نمی‌داند چگونه با رخدادی که زندگی همه و از جمله زندگی خود او را تحت‌الشعاع قرار داده سر کند، البته نویسنده فقط از تجربه شخصی‌اش سخن نمی‌گوید، بلکه در نقش ناظری ظاهر می‌شود که سعی دارد جامعه را از بیرون بنگرد. برای او قابل‌تأمل نیست که چرا جامعه‌ای چون جامعه آلمان که همواره به نظم مثال‌زدنی‌اش شهره بود، در عرض مدت کوتاهی این چنین دچار آشفتگی شده است. چطور ممکن است تب خرید کالاهای مورد نیاز در این مقطع، مردم را این چنین به رقابت خرید بخشاند؟!

«باید بنویسم ... وظیفه دارم هرچه را که مشاهده می‌کنم ثبت کنم.»

دغدغه نویسنده این بود که خود او چگونه با این بحران کنار خواهد آمد، آیا خود او نیز ناگزیر خواهد بود به این رفتار جمعی یا آن‌طور که خود ببیند، می‌کند، «رفتار گله‌وار» تن بدهد؟!

از این رهگذر نویسنده گویی ناگزیر لازم می‌بیند که درون خود را بشوید و هر آنچه هست را در دایره بریزد:

«از بچگی طبعم با انگیزه‌های گله‌وار سازگاری چندانی نداشت. بر سر این اصل سر جنگ داشتم که انسان نباید مانند عضوی از گله رفتار کند. یک ضرب‌المثل آلمانی هست که می‌گوید:

«کلاغ‌ها دسته دسته پرواز می‌کنند اما عقاب به تنهایی اوج می‌گیرد.»

این ضرب‌المثل آلمانی عجیب با ذوق من سازگاری داشت. بارها و بارها به مناسبت و بی‌مناسبت آن را تکرار می‌کردم و حتی آن را دست‌مایه یکی از رمان‌هایم کرده بودم. عنوان این رمان «مارتین خوشبخت» بود. در هیچ زمان و هیچ شرایطی دلم نمی‌خواست به یکی از همان کلاغ‌ها تبدیل شوم.»

با وجود این نویسنده خود را اسیر بحرانی می‌بیند که همه ابعاد جامعه و وجود او را در چنگال خود گرفته و او هیچ چاره‌ای جز این ندارد که باز هم وجود درن خویش را بکاود. او می‌خواهد خود را از نو بشناسد. از این رو مجابهت و به تناسب رخدادهایی که طی این سی روز جلوی چشمانش به وقوع می‌پیوندد، پیشینه شخصیتی‌اش را در تمام مراحل زندگی‌اش واکاوی می‌کند. دوران کودکی ... چالش خانوادگی ... چالش سیاسی ... مهاجرت و هر مرحله دیگر ... در آن منظره غیرعادی و غیرمنتظره ناشی از گشت یک بالگرد پلیس در محله سکونت نویسنده در شهر بوخوم او را به یاد آتش جنگ ویرانگر فعلی می‌اندازد که نزدیک به ده سال است دامن سرزمین مادری‌اش، سوریه را گرفته است؛ همچنان که آب و هوای بهاری بوخوم او را به یاد برگزاری آیین‌های نوروزی در شهر کردنشین کوبانی و تنوعیت‌های دولتی آن روزگار می‌اندازد. نویسنده به یاد می‌آورد که چگونه وازان شهر کوبانی در دهه ۸۰ با برپایی آیین‌های نوروزی، نیروهای امنیتی دولت در آن زمان به چالش کشیده بودند. او به توصیف رخدادها اکتفا نمی‌کند، بلکه وجهه فرهنگی و آداب و رسوم مردمان کرد سوریه را نیز منعکس می‌سازد. از این رو نگارنده کتاب به صورت غیرمستقیم به اطلاعات باارزشی از جامعه کرد این منطقه دست می‌یابد که شناخت زیادی از آن ندارد.

علاوه بر این نویسنده در روزنوشت‌هایش هر جا که توانسته از زبان شعر و خصوصاً شاهکارهای شعر کلاسیک عرب، مدد گرفته است. گاه به عنوان گواه و گاه به عنوان خاطره.

در بخشی از مقدمه همین اثر به قلم دکتر هناء البواب در نسخه چاپ عربی آمده است:

«باید میان جان دوست به عنوان نویسنده روزنوشت‌های ویروس کرونا و جان دوست به عنوان داستان‌نویس و نیز جان دوست به عنوان مترجمی زبردست تفاوت قائل شد. او در هر یک از زمینه‌های فوق‌زبانی خاص، سبکی ویژه و افقی متفاوت برمی‌گزیند که فقط با آن زمینه تناسب دارد. تصویرسازی‌ها در روزنوشت‌های «در چنگال کابوس» به گونه‌ای است که گویی نویسنده درصدد است تصویری از قرار گرفتن در «چنگال زندگی» را بنمایاند. نویسنده در اینجا گویی به دنبال «راهنمایی» است که قرار است راه خروج را از صحرایی گسترده نشان دهد اما خود می‌داند که احتمال گم‌گشتگی در این صحرا خیلی زیاد است. رمان به جان دوست در این نوشتار استفاده می‌کند با زبان نثر ادبی متعارف‌او که از آن در این اثر بهره برده و من دو نمونه از آنها را خوانده‌ام، به کلی متفاوت است.»

جان دوست تاکنون دو رمان نوشته و آن گونه که در قسمتی از بیست و دومین روزنوشتش اشاره می‌کند در حال نگارش سیزدهمین رمان خود است؛ سه رمان به زبان عربی و بقیه به کردی. علاوه بر این او ده‌ها دفتر شعر، اثر ادبی و پژوهشی را به زبان‌های کردی و عربی نوشته و منتشر کرده است. چندین رمان و اثر این نویسنده از زبان عربی یا کردی به زبان‌های گوناگون از جمله اسپانیایی و ایتالیایی ترجمه شده است.

از میان آثار این نویسنده می‌توان به اثر «سه گانه تاریخی»، «کوبانی» و «مارتین خوشبخت» به عنوان آثار شاخص او نام برد که خود نویسنده در روزنوشت‌هایش چندین بار خوانندگان را به این آثار ارجع داده است. هر سه اثر به زبان فارسی ترجمه شده است.